

## این از نتایج سحر است باش تا صبح دولتت بدمد

گزارشی از یک فعال نشریه دانشجویی بذر!

تا خودم را از ۱۰ کیلومتری غرب تهران به نزدیکی میدان انقلاب برسونم سه ساعت تو راه بودم مسیری که همیشه نیم ساعته می رسیدم. همه ورودی ها به شهر و اتوبانها را بستن بخصوص ورودی غرب تهران.

قرار بود امروز به دعوت موسوی و کروی جمعیتی در میدان انقلاب صورت بگیرد. تبلیغات متناقضی به گوش می رسید. صحبت از این بود که تجمع لغو شده عده ای می گفتند نه میاد. به هر حال ما که برای دیدن موسوی نرفته بودیم ما رفته بودیم راه دیگه ای را باز کنیم. خلاصه ما در غیاب آنها تکلیف خودمونو می دونستیم. پیش خودم گفتم حتما از حرفها و خط و نشان کشیدنهای "رهبر"ش ترسیده و نیامده، البته انتظار دیگه ای هم نداشتیم.

از صبح رادیو تلویزیون بیانیه های نظامی را می خورد و هی شاخ و شونه می کشیدن و می گفتن با هر جمعیتی برخورد شدید می کنیم. خلاصه به هر طریقی خودمو به محل رسوندم. تا به حال این همه نیروی نظامی در عمرم ندیده بودم. به همین خاطر با بعضی از جوانها که اصلا نمی شناختم وارد یکی از کوچه ها شدیم و شروع به پرسه زنی کردیم. هر جا به دسته های ۱۰۰ الی ۱۵۰ نفره ضد شورش می رسیدیم راهمان را کج می کردیم و از مسیری دیگر راهمان را ادامه می دادیم. به بالای خیابان امیر آباد رسیدیم. جمعیتی ۳ هزار نفره جمع شد در همین جا بود که دسته های لباس شخصی که این بار کلاه های قرمز موتور سوار ها را بر سر داشتند در محل تجمع کرده بودند.

وقتی شعارها شروع شد گاز اشک اور و ماشین های آب پاش همزمان از مون پذیرایی کردند و ما هم آتش ها به پا کردیم و ماشینهای آب پاش کارشان را شروع کردند موردی را مشاهده کردم که جوان لاغر اندامی را به فاصله یک متر به هوا پرتاب کرد و به دیوار کوبید. بعد از آن جمعیت به جنگ و گریز پرداخت و جنبش سنگ باران و شعار دادنها شروع شد. چندین نفر زخمی شدند و موتورسوار های لباس شخصی مشخصا تیراندازی می کردند.

مرگ بر دیکتاتور فضا را گرفته بود چند نفر شعار مرگ بر خامنه ای دادند بعضی ها گفتند نه نگید. یکی گفت چرا نگیم. یکی دیگه شعار داد "مرگ بر دیکتاتور چه رهبر چه دکتر". وقتی تیراندازی شروع شد و چند نفر زخمی شدند از آنجا خودم را به حوالی میدان توحید رساندم.

حدود ساعت ۶ بود که جنگ و گریز ها شدت پیدا کرد. حد فاصله انقلاب تا آزادی و خبرهایی که دیگران می دادند تا میدان فردوسی اما در شکل محدودتری جمعیت غلغله بود. چند هلی کوپتر دائم در حال گردش بود. خیابان شادمان، بهبودی، خوش و از همه شلوغتر خیابان یادگار بود. مسئله ای که امروز توجه ام را جلب کرد این بود که نیروهای ضد شورش بسیار جوان بودند و با روزهای قبل تفاوت داشت. البته اضطراب را هم می شد در چهره شان دید. یکی از جوونا تعریف می کرد که یک زنی رو دیده که رفته بقیه یکی از نیروهای سرکوب را گرفته و گفته "خجالت نمی کشی مگه تو ایرانی نیستی" و او نتونسته از خودش واکنشی نشون بده.

روحیه ها بالاس، در خونه ها همه بازه. بعضی از خانه ها و مغازها زخمی ها را مداوا می کنند. چند تا جوان را دیدم که کوله پشتی ها شونو پر از سنگ می کردند. بیشتر بچه ها صورتاشونو پوشوندن. یکی که زخمی شد و بردنش تو یک مغازه بعد خودش گفت من خودم اطلاعاتی هستم و امروز مرخصی هستم و فقط برای تماشا آمده بودم. اینا دیگه چرا تماشاچی ها رو میزنن، تا اینو گفت همه به حال خودش رهاش کردند و رفتند. شاید منظورش این بود که من اطلاعاتی اصلاح طلبام!؟

به هر حال امروز بچه ها جواب شمشیر کشیدنهای "رهبر" را دادند و امشب هم شب داغی خواهیم داشت. اینا فکر میکنند که با تمام شدن تظاهرات آرام و سبز مردم جا می زنند.

این از نتایج سحر است باش تا صبح دولتت بدمد.

## یک فعال نشریه بذر

### شور و شوق ؛ بیم و امید!

گزارشی زنده از تظاهرات های روز چهارشنبه و پنجشنبه

ارسالی برای نشریه دانشجویی بذر

شور و شوق و بیم و امید در جشن بزرگ مبارزه مردم را نمی توان توصیف کرد. هزاران هزار جوان و بسیاری نوجوان به میدان آمده اند و اکثرا هیچ چیز از سیاست نمی دانند اما تشنه یاد گرفتن هستند.

در تظاهرات چهارشنبه از میدان هفت تیر به طرف پارک لاله حدود دو میلیون نفر شرکت داشتند.

در این تظاهرات هم داستان سکوت برقرار بود که از جانب گردانندگان تحمیل شده بود. تعداد پلاکارد و شعارها دست مردم زیادتر بود. چند روز قبل از این تظاهرات احمدی نژاد در یکی از کثیفترین سخنرانیهایش مردم مبارز را به خس و خاشاک تشبیه کرده بود و بهمین خاطر در ابتدای تظاهرات پرچم بزرگی حمل شد که رویش نوشته شده بود تظاهرات خس و خاشاک. تعداد زیادی شعار روی کاغذ پرینت شده بود که رویش نوشته شده بود خس و خاشاک تویی .

شعارهای دیگر: چرا کوی دانشگاه به خون کشیده شد؟ / نشنیدن صدای مردم نفی جمهوریت / ای رهبر آزاده عدالت / تو اینهمه هیاهو رسانه ملی کو؟ / من اگر بر خیزم تو اگر بر خیزی همه بر می خیزند / شهیدان موج سبز راهتان ادامه دارد / برادر جوونه، برادر غرق خونه / ضحاک هم فقط روزی دو تا کشت / احمدی بهوش باش ما ملتیم نه اوباش / یا فاطمه زهرا ای من سبز بود چرا قرمز شد؟ مرگ بر فاشیسم / ببین چند ملیون است نعره های سکوت / بازم تقلاب شده احمدی سید شده / چیزی که از دست دادیم آزادی - استقلال / بک رای داشتیم به موسوی دادیم بک جان دادیم برای آزادی می دهیم / ما ز دولت چشم یاری داشتیم غلط بود آنچه پنداشتیم / مرگ بر دیکتاتور چه شاه باشد چه دوکتور / میره روسیه با رای ما پز می ده / اخلاکگر یعنی بسیجی / ابطال انتخابات / دولت کودتا استعفا استعفا / شهدای کوی دانشگاه گمنام در بهشت زهرا دفن شدند / برادر شهیدم رای تو را پس می گیرم / هموطن هیچگاه صحنه را خالی نکنیم / دیکتاتور ریاکار خلق آمده توی کار / اعتراض آری خشونت نه / هاله نور را دیده رای ما را ندیده / آنک قصابانند بر سر چهار راه تبسم را بر لبها جراحی می کنند / آزادی هزینه دارد به خون خود بهای آن را می پردازیم / در تظاهرات تعداد زیادی عکس کشته شدگان به چشم می خورد. / عکس شهید مهدی کرمی محل شهادت جنت آباد چهار راه ایرانپارس

بعد از تظاهرات سه نفر را دیدم که لپ تاپ بدست در یک پس کوچه از تظاهرات دور می شدند و راجع به انقلاب مخملی حرف می زدند شاید کاره ای بودند هر سه تیپ دانشجو بودند بهشان گفتم این داستان سکوت خیلی بد است گفتند نه خوبست در یوگسلاوی هم اینطوری پیروز شدند.

بعد از تظاهرات رفتم سوار اتوبوس شوم در ایستگاه دانشگاه چند میانسال زحمتکش ایستاده بودند با یکی دو جوان بحث راه انداختیم و فوری اکثرا به ضرورت عبور از موسوی و ضرورت خلع سلاح دشمن و قیام را طرح می کردند. بعدش یک تیپ بسیجی جوان بحث را منحرف کرد در مورد اینکه موسوی رای آورده ولی رای احمدی کم نبوده و نزدیک بود که کتک بخورد.

تظاهرات روز پنجشنبه از میدان امام ( توپخانه) نزدیک بازار که گویا بسته بود شروع شد با اینکار موسوی می خواست با خمینی نداعی شود. گفته بود با لباس سیاه بیائید در ضمن جنوب شهر هم بود. حدود یک میلیون بودند. عده ای را دیدم که شعار نه به حجاب اجباری و دموکراسی حق ماست و عشق آزادی برابری را در دست داشتند و تعدادی زیادی از آنها به دست مردم دادند. البته شعار علیه حجاب کم بود چند دقیقه بعد مردم مسنی مخالفت کرد و گفت حالا اونا می گویند که ما می گیم زن ها لخت بیاند توی خیابان و معنیست. جوانی بهش گفت که معنایش را فکر کنی می فهمی یعنی هر کی دوست داشت حجاب سر می کند هر کی نخواست نه و بعد هم تو حرف خودت را بزن ما حرف خودمان را می زنیم و گرنه فرق تو با آنوری ها چیست؟ طرف چند قدمی معترضانه بدنبال ما آمد بعد دست برداشت. یک نفر دیگر هم که صورتش را کاملا با سبز پوشانده بود گفت این شعار تحریک آمیز است یک دختر هم اول گرفت

دستش بعد پس داد. اما تعداد زیادی هم پشتیبانی می کردند و عکس می گرفتند.  
عده ای هم مشغول پخش اطلاعیه ای در افشا کمیسیون حقیقت یاب محتمشی به هوا بودند.  
موسوی در میدان فردوسی بروی وانت به صف تظاهرات پیوست و مردم تشویقش کردند و شعار می دادند که رای ما را پس بگیر و  
برخی رای ما را پس بده!

شعارها نسبت به روز قبل بهتر بود و بسیاری گریه می کردند و در جلوی دانشگاه گل و پرچم سیاه گذاشته بودند و بسیاری شمع روشن کرده بودند.

کشتار وحشیانه ای در دانشگاه صورت گرفته بود بعد از کتک و کشتن تعداد چهل نفر را به زیر زمین وزارت کشور بردند و شکنجه وحشیانه کردند و بهشان گفته بودند اینجا از گوانتانامو بدتر است. خامنه ای گفت که اینکار را تروریستها به نام رهبر انجام داده اند!!  
در مقابل دانشگاه تعدادی نیروی انتظامی با سپر بطور منظم ایستاده بودند که تحریک آمیز نبود و تلاششان این بود که جمعیت دانشگاه را اشغال نکند. تعدادی از تظاهر کنندگان جلوی آنها جمع می شدند و شعار می دادند که گردانندگان تظاهرات آنها را پراکنده می کردند.  
در مجموع هم حکومت و هم اصلاح طلبان سعی می کردند که تظاهرات به خشونت کشیده نشود.  
تیترو روزنامه کیهان چند روز پیش این بود: گام اول جدا کردن صفوف آشوبگران از هواداران موسوی. و بعد هم تهدید به کشتار یعنی همان حرفهای خامنه ای.

تا بحال پانصد نفر دستگیر شده اند حجاریان تاج زاده رمضان زاده از رهبران مجاهدین انقلاب و حزب مشارکت نیز دستگیر شده اند.  
کسانی که در رای گیری و تظاهرات شرکت کردند طیف گوناگونی هستند یکسری به موسوی رای دادند که به نظام رای منفی بدهند  
برخی برای اینکه به جناح سنتی تر و فاشیست احمدی نژاد و خامنه ای نه بگویند. برخی طرفدار انقلاب مخملی تدریجی هستند. در  
حالیکه طیفی که به احمدی نژاد رای دادند قشر سنتی تر و محافظه کار طرفدار ولی فقیه و جمهوری اسلامی بودند که مانند طالبان  
خود را ضد امپریالیست می دانند.

تظاهرات محلات بخصوص در میدان آزادی در شب رادیکالتر است و جوانان تشنه آگاهی هستند. احتمال این است که جنبش از  
موسوی عبور کند و به سمت سرنگونی از تقا پیدا کند. قرار است خاتمی فردا صحبت کند معلوم نیست که چی در آستین دارد!  
اراده مردم تعیین کننده خواهد بود وقایع می تواند به سمت انقلابی دیگر تکامل یابد. جمعیت دیروز در ظرف پنج دقیقه می توانست  
دانشگاه را اشغال کند اما گردانندگان بشدت با اینجور کارها مخالفت می کنند. از خود توپخانه تا میدان فردوسی و از آنجا تا میدان  
انقلاب جمعیت فشرده بود.

فعالین نشریه دانشجویی بذر